



تفسیر آیات مشکل

درس ۶

مفهوم تأویل

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

با یادگیری مفاهیم محکم و متشابه و بیان مراد از آن‌ها به راه فهم آیات متشابه رهنمون می‌شویم که با درک صحیح از طریق تأویل آیات متشابه به مفهوم درست آن دست پیدا می‌کنیم. در این درس با بحث تأویل آیات با معانی به کار رفته در قرآن آشنا می‌شویم، که دانستن آن‌ها ما را در استفاده از کاربرد معانی مختلف آن یاری می‌کند

محتوای آموزشی

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»

(آل عمران، ۷)

او کسی است که بر تو کتاب را نازل کرد بعضی از آن، آیات محکم است که ریشه کتابند و بعضی دیگر آیات متشابه هستند، (که معنای آن‌ها به ظاهر روشن نیست) پس آن گروه که در دل‌هایشان کجی وجود دارد، از آن آیاتی که متشابه هستند به قصد فتنه و تأویل آن، پیروی می‌کنند و تأویل آن را جز خدا و استواران در علم نمی‌دانند. می‌گویند: به آن باور داریم همگی از جانب پروردگار ماست و جز صاحبان اندیشه‌ها، یادآور نمی‌شوند.

مفهوم تأویل

پاسخ این سؤال به روشنی از قرآن استفاده می‌شود و آن این‌که آیات متشابه را به کمک تأویل می‌توان درک نمود. تأویل به معنای توجیه و تبیین لفظ متشابه و یافتن منظور اصلی از آن است و به کمک تأویل می‌توان به مفهوم درست آیات متشابه پی برد. این کلمه از ماده «اول» است که به معنی بازگشت می‌باشد، در واقع با تأویل یک آیه آن را به معنای درست آن ارجاع می‌دهیم. تأویل با حالت‌های گوناگون هفده بار در قرآن کریم آمده است.

تأویل در قرآن در معانی گوناگونی به کار رفته و در آیه مورد بحث ما با توجه به نظراتی که وجود دارد، می‌توان تأویل را به یکی از دو معنی حمل کرد:

۱. تأویل به معنای بازگشت یک چیز به وجود خارجی و عینی است که در آن نهفته است، مانند تأویلی که در داستان موسی و خضر آمده و منظور این بود که آن سه هدفی که خضر از انجام این کارها داشت، تأویل این کارهاست.

۲. تأویل به معنای فهم درست یک متن، یعنی رسیدن به معنای مراد متکلم که در قالب جمله‌ای بیان شده، که ذو

وجوه است.^۱ البته تأویل به این معنی، در آیات دیگر قرآن به کار نرفته، ولی در لسان روایات و در فرهنگ مسلمانان، تأویل به این معنی زیاد به کار رفته است. تأویل در آیات دیگر، مربوط به موضوعات است، نه یک متن و یا عبارت. تنها جایی که می‌توان تأویل را مربوط به یک متن دانست، همین آیه مورد بحث است.

به نظر ما تأویل در این آیه، به معنای فهم درست عبارت است، چون در این جا صحبت از آیات قرآن است، که به صورت متن است و نیز از تأویل نادرست اهل زیغ خبر می‌دهد، که قطعاً منظور از آن، حمل متشابهات بر یک معنای نادرست می‌باشد.

در این جا این نکته را هم یادآور می‌شویم که گاهی تأویل قرآن، در برابر تنزیل آن به کار می‌رود، مانند این روایت که پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره علی (علیه السلام) فرمود: «يُقَاتِلُ عَلِيٌّ تَأْوِيلَهُ كَمَا قَاتَلَتْ عَلِيٌّ تَنْزِيلَهُ».^۲ که منظور از آن این است که پیامبر برای اثبات حقانیت قرآن و این که از جانب خدا نازل شده جنگید، ولی علی بن ابی طالب (علیه السلام) برای این هدف نجنگید، چون ناکتین، قاسطین و مارقین همگی تنزیل قرآن از جانب خدا را قبول داشتند، بلکه برای تأویل آن جنگید، یعنی برای جلوگیری از فهم نادرست آیات مبارزه کرد.

باید توجه کنیم که تأویل منحصر به آیات متشابه نیست، بلکه از یک نظر تمام آیات قرآنی تأویل دارند و آن در صورتی است که برای آیه معنایی به جز معنای ظاهری آن گفته شود، که در لسان روایات به این معنای دوم بطن قرآن گفته می‌شود، همان گونه که به معنای اولی که ظاهر آیه است، ظاهر قرآن گفته می‌شود. به این روایت توجه کنید:

«عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَقَالَ ظَهْرُهَا تَنْزِيلُهَا وَ بَطْنُهَا تَأْوِيلُهَا».^۳

فضیل می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) معنای این روایت را پرسیدم: که آیه‌ای از قرآن نیست مگر این که ظاهری دارد و باطنی. امام فرمود: ظاهر آن تنزیل آن و باطن آن تأویل آن است.

بنابراین همه آیات قرآنی حتی محکومات آن، ممکن است تأویل داشته باشد، اما تأویل درباره متشابهات قرآن، معنای خاصی دارد و آن پی بردن به معنایی است که در پشت آن الفاظ متشابه نهفته است.

باید توجه داشت که تأویل مخصوص قرآن و یا حتی مخصوص الفاظ نیست، بلکه گاهی برای توجیه یک عمل و

۱. حضرت علی فرمود: «فَإِنَّا لَقُرْآنًا حَمَلًا ذُو وَجُوهِ». (نهج البلاغه، نامه‌ها، ۷۷).

۲. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۹۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۹۸.

پیدا کردن محمل صحیح برای کاری که به ظاهر ناپسند می‌نماید، نیز تأویل گفته می‌شود. همان‌گونه که در داستان خضر و موسی آمده است، وقتی خضر دست به کارهایی زد که به ظاهر کارهای زشت به نظر می‌رسید و مورد سؤال موسی قرار گرفت، خضر در پاسخ موسی گفت:

«سَأْنِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/۷۸)

به زودی از تأویل کارهایی که نتوانستی بر آنها تحمل کنی، تو را خبر خواهم داد.

بدون شک آیات متشابهات قرآن دارای توجیه و تأویلی است که بیانگر معنای صحیح آیه است و اگر کسی تأویل درست را بداند معنای درست آنها را خواهد دانست. حال باید دید چه کسی تأویل صحیح آیات متشابه را می‌داند؟ مسلماً خداوند خود از تأویل درست متشابهات آگاه است، ولی آیا جز خدا کسی یا کسان دیگری نیز می‌توانند به تأویل صحیح متشابهات پی ببرند؟

آیا راسخان در علم تأویل متشابه را می‌دانند؟

پس از تقسیم آیات به محکّمات و متشابهات و بیان سوءاستفاده اهل زیغ از آیات متشابه می‌فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا»، در این قسمت از آیه دو نظریه وجود دارد: یکی این که «والراسخون فی العلم» عطف بر الله است و جمله بعدی جمله حالیه برای راسخون می‌باشد، در این صورت معنی آیه چنین می‌شود که تأویل متشابهات را کسی جز خدا و راسخان در علم نمی‌داند، که مفهوم آن این است که راسخان در علم نیز تأویل متشابهات را می‌دانند.

دوم این که «والراسخون فی العلم» عطف بر الله نیست، بلکه جمله جدیدی است و او برای استیناف می‌باشد و به تعبیر ادبی «الراسخون» مسندالیه و مبتدا است و «يقولون آمنا به» خبر و مسند آن است. در این صورت معنی چنین خواهد بود، که تأویل متشابه را فقط خداوند می‌داند و اما راسخان در علم تنها می‌گویند که به آن ایمان داریم و می‌دانیم که همه از سوی خداوند است. برپایه این نظریه، تنها خداوند از تأویل آیات متشابه آگاه است.

بیش تر مفسران اهل سنت و برخی از مفسران شیعه، نظریه دوم را ترجیح داده‌اند. مرحوم علامه طباطبائی نیز او را مستأنفه گرفته، ولی تأویل را به معنای تحقق یافتن مفهوم آیه در خارج می‌داند، که علم آن در انحصار خداوند است. او معتقد است که علم تأویل آیات قرآنی به معنای فهم درست آن مخصوص خدا نیست و افراد خاصی هم به آن دسترسی دارند، ولی این آیه در مقام بیان آن نیست.

ما تصور می‌کنیم که نظریه نخست صحیح است و باتوجه به مجموع آیات، روایات، شواهد و قرائنی که در دست است، راسخون در علم نیز تأویل درست آیات متشابه را می‌داند و در عین حال در مقابل خدا سر تعظیم و تسلیم

فرود می‌آورند و می‌گویند: همه این آیات از جانب خداوند است. بعضی از شواهد و قرائنی که درستی این نظریه را تأیید می‌کند، عبارت است از:

۱- تعبیر راسخان در علم با تسلیم شدن و اظهار ایمان سازگار نیست؛ زیرا غیر راسخان نیز می‌توانند چنین کنند. این تعبیر با دانستن تأویل آیات مناسب‌تر است.

۲- از عهد پیامبر تاکنون دیده نشده که کسی از صحابه، تابعین و مفسران بعدی آیه‌ای از قرآن را تفسیر و معنی نکنند و بگویند که این آیه از متشابهات است و تأویل آن را تنها خدا می‌داند، بلکه آن‌ها درباره تمام آیات قرآنی اظهار نظر کرده‌اند و به هر حال معنایی برای آیه ذکر نموده‌اند.

۳- بدون شک همه آیات قرآنی برای هدایت بشر نازل شده، در صورتی که علم به تأویل متشابهات به خداوند اختصاص داشته باشد، وجود آیات متشابه در قرآن لغو و بیهوده خواهد بود و یکی از دو محذور لازم خواهد آمد، یا این که بشر به آیات متشابه هیچ‌گونه احتیاجی ندارد و یا خداوند بشر را از دانستن چیزی که به آن نیازمند است، بازداشته است.

اما اگر بگوییم که راسخان در علم نیز تأویل متشابهات را می‌دانند، این امر، اختصاص دادن بعضی از آیات قرآنی به دانشمندان است و بیان این نکته است که بعضی از آیات قرآنی در سطح بالایی است، که تنها علما و دانشمندان را به کار می‌آید و هر کسی مطابق فهم خود نصیبی از قرآن دارد.

۴- خداوند در مواردی انسان را به تدبر در آیات قرآنی فراخوانده است. اگر علم متشابهات را به خدا اختصاص دهیم، این فراخوانی بی‌معنا خواهد بود، چون آیات محکومات را بدون تدبر هم می‌توان فهمید.

۵- این که آیات محکومات را ام‌الکتاب توصیف کرده، شاید اشاره به این باشد که آیات متشابه را به کمک آیات محکم می‌توان فهمید و با ارجاع متشابه به محکم و چیدن آیات مختلف در کنار هم، تأویل آیات متشابه به دست می‌آید و این همان سخن معروف است، که آیات قرآنی هم‌دیگر را تفسیر می‌کنند.

۶- از همه این‌ها گذشته در احادیث مختلفی، آیه مورد بحث به همین صورت معنا شده است، یعنی این که راسخان در علم عطف به الله دانسته شده و آن‌گاه در این احادیث راسخان در علم هم معرفی شده‌اند. به عنوان نمونه به این سه حدیث توجه فرمایید:

۱. قال امیر المؤمنین (علیه السلام): وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِلْعِلْمِ أَهْلًا وَفَرَضَ عَلَى الْعِبَادِ طَاعَتَهُمْ ... بِقَوْلِهِ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ.^۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: خداوند برای علم اهلی قرار داده و پیروی از آن‌ها را بر بندگانش واجب کرده، با

این سخن: (وما یعلم تأویله ...)

۲. عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ نَحْنُ نَعْلَمُهُ^۱.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند فرموده: تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم کس دیگری نمی‌داند، ما آن را می‌دانیم.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ: «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»^۲.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: راسخان در علم ما هستیم و تأویل متشابه را ما می‌دانیم.

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید، در روایات اهل بیت بر روی «الا لله» وقف نشده است و این که در بعضی از مصحف‌ها روی آن علامت وقف گذاشته‌اند، مطابق با نظر اهل بیت نیست.

درباره این که منظور از «الراسخون فی العلم» چه کسانی هستند، می‌گوییم: برپایه روایات، مصداق روشن آن حضرات معصومین (علیهم السلام) هستند، ولی افراد دیگری هم می‌توانند در مرتبه پایین‌تری این صفت را داشته باشند. در قرآن کریم به برخی از دانشمندان اهل کتاب هم راسخان در علم اطلاق شده است:

«لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ» (نساء/۱۶۲)

ولی راسخان در علم از آنان (علمای اهل کتاب) و همه مؤمنان که به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان می‌آورند.

هم‌چنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه اشباح، راسخان در علم را به عنوان یک مفهوم کلی مطرح و برخی از اوصاف آن‌ها را بیان می‌کند.^۳

چکیده

آیات متشابه را به کمک تأویل می‌توان فهمید.

تأویل به معنای توجیه و تبیین لفظ متشابه و یافتن منظور اصلی از آن است.

می‌توان تأویل را به یکی از دو معنی حمل کرد:

۱. تأویل به معنای بازگشت یک چیز به وجود خارجی و عینی؛

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۸.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۹۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.



۲. تأویل به معنای فهم درست یک متن.

تأویل منحصر به آیات متشابه نیست، بلکه از یک نظر تمام آیات قرآنی تأویل دارند و آن در صورتی است که برای آیه معنایی به جز معنای ظاهری آن گفته شود، که در لسان روایات به این معنای دوم، بطن قرآن گفته می‌شود. همه آیات قرآنی حتی محکومات آن، ممکن است تأویل داشته باشد، اما تأویل درباره متشابهات قرآن، معنای خاصی دارد و آن پی‌بردن به معنایی است که در پشت آن الفاظ متشابه نهفته است. باتوجه به مجموع آیات، روایات، شواهد و قرائن، تأویل متشابهات را کسی جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند، که مفهوم آن این است که راسخان در علم نیز تأویل متشابهات را می‌دانند.

